

درگذشتگان

مدیر تولید و بازیگر «هامون» درگذشت



● **گروه هنر:** دکتر فریدون آزما، از مدیران تولید باسابقه فیلم‌های سینمای ایران، شش‌ماهه ۲۸ تیرماه در ۷۳ سالگی درگذشت. حسن آقاکریمی، مدیر تولید، در گفت‌وگو با ایسنا ضمن تأیید این خبر عنوان کرد: «آقای آزما شب قبل از فوت دچار خون‌ریزی داخلی شد و پس از انتقال به بیمارستان در بیمارستان بهمن تهران درگذشت». دکتر فریدون آزما سابقه فعالیت در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی همچون لژیون، بوی خوش زندگی، اجاره‌نشین‌ها، هامون، این ترانه عاشقانه نیست، درد مشترک، مردی در آینه، دادستان، کشتی آتلیجیک، آب باد خاک، پاییزان و مدرسه رجایی را در سمت‌هایی همچون بازیگر، مدیر تولید، مجری طرح و دستیار تولید در کارنامه خود داشت. علاقه‌مندان به فیلم «هامون»، نقش آفرینی زندebاد آزما را در آن فیلم هنوز فراموش نکرده‌اند. روحش شاد، یادش گرامی.

بدرفه کاسه‌ساز به آرامگاه ابدی



فرانک آرتا

کیانوش عیاری در گفت‌وگو با «شرق» درباره توقیف فیلمش گفت:



عکاس: مجید عسکری‌پور-مه‌ر

دست‌کم درباره فیلم «خانه پدری» موافقت خودم را اعلام می‌کنم. چون به‌هیچ‌وجه حاضر نیستم آن سکانس مورد بحث را از فیلمم حذف کنم. چون اگر می‌خواستم حذف کنم، اصلا چرا فیلم را ساختم؟! از سوی اداره نظارت با شما تماسی گرفته نشده؟

تاکنون شاهد هیچ تماسی نبوده‌ام.

● **شنیده‌ام** این روزها درگیر ساخت سریالی در تلویزیون هستید. می‌دانم ساخت این سریال به دهه ۸۰ برمی‌گردد، اما حالا چرا قصد ساختن آن را دارید؟

واقعیت این است که زمان تصویب و ساخت سریال به دوران بیماری و بعد از فوت همسرم برمی‌گشت. یادم می‌آید بعد از فوت همسرم، آقای حسن اسلامی‌مهر به دیدنم آمده بود. آن‌موقع بعد از کلی صحبت، دست‌آخر به آقای اسلامی‌گنتم به دلیل فقدان همسرم خیلی حوصله کارکردن ندارم و تا چهار، پنج ماه نمی‌توانم کار کنم. آن‌موقع من حتی

درکل با رده سنی موافق نیستم. باین‌حال

گروه هنر: نمایش «نوای اسرارآمیز»، نوشته اریک امانوئل اشمیت که این روزها با کارگردانی ساقی عطایی در تماشاخانه پایتخت اجرا می‌شود، یک درام روان‌شناسانه است که شخصیت‌های درگیر در قصه آن، نگاه متفاوتی به مقولات مختلفی از جمله ارتباط با دیگران و عشق دارند. مخاطب این نمایش، شاهد تقابل دو مرد از دو خاستگاه متفاوت است که یکی میان‌شان قرار گرفته است. البته قصه این نمایش‌نامه با قرارگیری یک زن بین دو مرد، وارد فاز داستان‌های عشق مثلثی یا قصه‌ای که با استفاده از این عبارت، توقعش را داریم نمی‌شود، بلکه اشمیت در این متن، به لایه‌های زیرین درون دو مرد پرداخته است. وحید آقاپور و هومن کیایی؛ بازیگرانی که این شب‌ها در پایتخت مشغول ایفای نقش‌های این نمایش هستند، دو سال پیش در نمایش‌نامه‌خوانی همین اثر به کارگردانی همین کارگردان حضور داشتند و شروع فرایند تمرین برای اجرای صحنه‌ای نمایش، با پیش‌زمینه و آشنایی قبلی‌شان نسبت به متن، همراه بود.

وحید آقاپور پیش از شروع یکی از اجراهای این نمایش، درباره شکل‌گیری مشارکتش با هومن کیایی در شکل‌دادن این نمایش، می‌گوید: «نوای اسرارآمیز» یک نمایش‌نامه دوپرسوناژی است، بنابراین از نقطه‌نظر یک بازیگر، حجم زیادی از تعامل و همکاری را با بازیگر مقابل، می‌طلبید. به‌این‌ترتیب، باید در خلال تمرین‌ها و اجرا، یک درک مشترک، همدلی و هم‌فکری بین این دو وجود داشته باشد، چون این نمایش‌نامه، یک متن چندلایه و عمیق است و نیاز به تحلیل فاش، چون این نمایش‌نامه، این بازیگر درباره حال‌وهوای روزهایی که صرف تمرین این نمایش شده، می‌گوید: در مراحل ابتدایی، پیش می‌آمد که اختلاف‌نظرهایی با هومن کیایی داشتیم؛ یعنی من به درکی از وضعیت می‌رسیدم که او درک دیگری درباره آن داشت. طبیعی است که این اختلاف، موجب ایجاد اصطکاک‌هایی می‌شد، ولی با درنظرگرفتن این نکته مهم که قرار بود همه این فرایندها و اتفاقات و نتیجه و اجرا برسد، از این مراحل گذر و به سلامت از این‌گرفته عبور کردیم. در نهایت تحلیل غایی ما که هماهنگ با نظر کارگردان بود، شکل گرفت و خوشبختانه در مرحله یک‌سوم پایانی تمرین‌ها که منتهی به اجرا شد، آن همدلی و تفاهم موردنظرمان به وجود آمد و باعث شد که هم از تمرین‌ها و هم از اجرا لذت ببریم و حالمان خوب شود.

نگاه خود به این روزها فیلم «اکسیدان» را روی پرده اکران دارد، درباره آن‌که خودش به نقش «اریک لارسن»- که ایفاگر آن است- می‌گوید: شاید عمده‌ترین جذابیت اینس کاراکتر برای من، بازی‌کردنش باشد؛ یعنی این شخصیت در نمایش هم دارد بازی می‌کند و ماسک‌های متعددی را از صورتش برمی‌دارد تا به خود واقعی‌اش برسد. به‌عنوان یک بازیگر، این مسئله برایم خیلی جالب بود، اما جنبه‌های مشترکی بین خودم و این

هنر

«خانه پدری» هیچ مشکلی ندارد جز سوءتفاهم!

فرانک آرتا

از عمرت را پسای فیلمی می‌گذاری و بعد به محاق توقیف می‌رود. حالا برخی از فیلم‌ها خوشبختانه این شانس را دارند که در گذر زمان بیات نمی‌شوند، اما من نمی‌دانم که این حالت مشمول فیلم‌هایم می‌شود یا نه، اما دست‌کم امیدوارم فیلم اکران شود و درآمد ناشی از آن مرهمی بر زخم‌های مالی‌ام بشود؛ تا یک‌چور راضی تاریخی که زیاد هم برایم تعیین‌کننده نیست!

● **باین‌حال به نظر می‌رسد این محدودیت‌ها در اکران فیلم برای کلیت فیلم هم بد نباشد.** نظرتان چیست؟

چه بخواهیم و چه نخواهیم وقتی محدودیتی اعمال می‌شود، خودبه‌خود مردم علاقه‌مند می‌شوند که فیلم را ببینند و طبعاً به عامل تبلیغاتی هم تبدیل می‌شود. اصلا این کشتش به سمت محدودیت‌ها یکی از خصلت‌های باستانی انسان است، چون کنج‌جویی انسان را تحریک می‌کند. حالا هم انگار به عاملی برای اعتباربخشی به فیلم‌ها تبدیل شده است. گویی برخی از همکاران از چنین شرایطی بدشان نمی‌آید. ● **نظرتان درباره ایراداتی که به فیلم «خانه پدری» گرفته‌اند چیست؟**

به نظرم «خانه پدری» هیچ مشکلی ندارد به‌جز سوءتفاهم. آن سال‌ها هم گفته بودم اگر شخصیت کیل حسن (مهران رجبی) که شغلش رفوگری سنتی فرش بود، شغل دیگری داشت؛ مثل راننده لوکوموتیو گارماشین، آپاراتچی یکی از چند سالن سینمای معدود آن زمان در تهران یا در تلگرافخانه‌ای، مسئول دستگاه مرس بود، آیا چنین سوءتفاهماتی برای «خانه پدری» به وجود می‌آمد؟ حتم دارم که به وجود نمی‌آمد، اما ظاهراً سرنوشت فیلم چیز دیگری شد.

● **ظاهراً هم هنوز نوبت به تعیین تکلیف فیلم «کاناپه» نرسیده؟** هنوز خبری ندارم!

● **کیانا آرتز:** فیلم سینمایی «ساعت پنج عصر» نخستین فیلم سینمایی مهران مدیری در مقام کارگردان، با وجود بالای‌بودن تعداد سالن‌های نمایش آن از سوی پخش‌کننده فیلم، در اختیار «پرديس سینمایی تماشا» قرار نگرفت. این فیلم «ساعت پنج عصر» فیلم‌های پر فروش خود را به پردیس سینمایی تماشا ارائه نمی‌دهد؟! درحالی‌که سالن‌های سینمای این پردیس تنها سالن‌های سینما در منطقه ۱۸ تهران هستند که اتفاقاً شلوغ‌ترین منطقه شهرداری تهران محسوب می‌شود». او در ادامه افزود: «حتماً می‌دانید که بهای بلیت سینما در این پردیس هشت هزار تومان است و سه‌شنبه‌ها هم طبق مصوبه شورای صنفی نمایش قیمت بلیت‌ها نیمه‌ها می‌شود که اتفاقاً در این روز هفته به دلیل استقبال خانواده‌ها، مقابل محل بلیت‌فروشی، صف‌های طولانی بسته می‌شود. اما باز هم بنا بر مصوبه شورای صنفی نمایش اگر سه‌شنبه‌ای مصادف با تعطیلات رسمی شود، آن‌وقت بلیت‌ها دیگر نیمه‌ها نیست. وقتی در چنین روزهایی خانواده‌ها می‌کنند، با وجود تفاوت قیمت در حد چهار هزار تومان نمی‌توانند به دلیل وضعیت اقتصادی‌شان بلیت خریداری کنند. در نتیجه به خانه بازمی‌گردند. درحالی‌که من مدتی که در اینجا به‌سرم می‌برم شاهدم که چقدر مردم فیلم‌های سینمایی ایرانی را دوست دارند. حالا چرین برخوردی هم به پیش از این با فیلم «هنگ عنبر ۲» از سوی پخش‌کننده اعمال شد که با پیگیری‌های ما توانستیم فیلم را برای مردم به نمایش بگذاریم». این مدیر نیز توضیح داد: «شاید پخش‌کنندگان فکر کنند اگر فیلمشان داد: در اختیار این منطقه از تهران قرار ندهند، مردم این فیلم‌ها را در پردیس سینمایی کوروش خواهند دید! درحالی‌که چنین تصویری نادرست است. چون باید شرایط اقتصادی و اجتماعی تماشاگران را هم در نظر بگیرند و در به‌نمایش‌گذاشتن فیلم‌ها برای مردم عدالت را در نظر بگیرند. یادم می‌آید روزی که امین حیایی، از بازیگران مشهور سینمای ایران را به پردیس سینمایی تماشا دعوت کردیم، آتچنان استقبالی شده بود که کمتر جایی شاهدش بودم. این نشان می‌دهد که مردم این منطقه چقدر حامی فیلم‌های سینمایی و هنرمندانش هستند. پس به نظرم بد نیست که مسئولان مرتبط در این مورد تجدیدنظر کنند». در پی اظهارات نجفی، با علی سرتیپی، مدیرعامل «فیلمیران» تماس گرفتیم که متأسفانه پاسخی داده نشد. گفتنی است، پردیس سینمایی تماشا در چهارراه یافت‌آباد، میدان معلم تهران واقع شده که دارای سه سالن سینمایی با ظرفیت ۳۲۰ صندلی است.

مورد ما رخ نداد. چون وحید آقاپور یکی از بازیگرهای بااخلاق تئاتر است. این بازیگر که پیش از این نمایش «حادثه در ویشتی» را روی صحنه داشت، سخنانش را این‌گونه ادامه می‌دهد: گاهی در تمرین‌ها، فاصله‌ام با وحید باعث می‌شد که فکر کنم ممکن است از دست من برنجد، چون من، حین تمرین و اجرا باآواییین‌هایی در بازی‌ام دارم و ممکن است با شور و حرارت متفاوت‌تری نسبت به کاری که قبلاً کرده‌ام، عمل کنم، ولی وحید خیلی همراه بود و خیلی صبورا! این بازیگر در بازی‌اش صادق است و آشفتنگی‌ها و بالا‌پایین‌های من را تحمل کرد. همین هم می‌شود که کار به ثمر می‌نشیند.

کیایی درباره شخصیت ابل زنونکو که ایفاگر نقشش در نوای اسرارآمیز است، می‌گوید: شخصیتی که بازی‌اش می‌کنم، در فرازهایی خیلی از من دور است و در فرازهایی هم خیلی به من نزدیک است؛ یعنی موقعیت‌هایی در زندگی واقعی‌ام بوده که به‌جای زنونکو قرار گرفته‌ام. نه‌تنها من بازیگر که فکر می‌کنم خیلی از مردم هم این تجربه را داشته‌اند. دوری‌های آن شخصیت از من، به نویسنده‌بودنش، نوبل‌گرفتنش و بی‌توجهی‌اش به آن جهان‌بینی خاصش نسبت به انسان‌هاست. او از بقیه بریده و چندسال است که در یک جزیره به‌تنهایی زندگی می‌کند. حرکت‌های جنون‌آمیزی که این شخصیت از خود نشان می‌دهد، اصلاً به کارهایی که من می‌کنم شباهت ندارد. وی درباره تقابل دو مرد حاضر در نمایش‌نامه می‌گوید: به‌هرحال، هر دو مرد، در دنیای عشق، غریکاربردی‌اند. چون رابطه‌شان در عشق یک‌طرفه است. زنونکو فقط خودش را می‌بیند و لارسن هم فقط طرف مقابل را. زنونکو راحت درباره دیگران قضاوت می‌کند، من این کار را نمی‌کنم، ولی زنونکو را درک می‌کنم و می‌فهمم که چرا رنج می‌برد. من هم از خیلی از مسائل سطحی که در جامعه اتفاق می‌افتد و مدت‌ها رویشان توقف می‌شود، رنج می‌برم، ولی تلاش می‌کنم که دیگران را قضاوت نکنم. البته نمی‌دانم چقدر در این زمینه موفقم، درکل از شخصیت زنونکو فاصله دارم، ولی درکش می‌کنم.

در پایان گپ‌وگفت با این بازیگر، کیایی درباره برقراری ارتباط نمایش با تماشاگران، می‌گوید: نگاه دو مرد به مقوله عشق، به‌نظم چیزی است که هم برای آقایان جذاب است و هم برای خانم‌ها. بانوان ممکن است بگویند با تماشای این نمایش، چیزی را از زبان مردهای می‌شنویم که تا‌به‌حال آشنیده نبوده‌ایم. آقایان هم می‌گویند خودمان را در نمایش می‌شنویم یا اینکه نسخه متفاوتی از خودمان را می‌بینیم. بالاخره، میزان تماشاگرۃ که این روزها برای یک کار تئاتر می‌آید، به خیلی از عوامل بستگی دارد؛ از جمله شناخته‌شده‌بودن عوامل و سالن اجرا، تبلیغات و... شاید هم اصلاً تماشاگر، یک طیف و تیپ از کارها را دوست نداشته باشد که برای دیدنشان بیاید.



پیمان معادی در واکنش به درگذشت خواننده گروه لینکین پارک نوشت: «متأسفانه چستر بنینگتون امروز صبح در پنجاه‌وسومین سالگرد تولد دوست صمیمی خود، کریس کورنل، کمتر از سه ماه بعد از خودکشی او با همان روش خلق‌آویزکردن کریس به دیدار رفیق خود شتافت.

پنجاه‌وسومین سالگرد تولد دوست صمیمی خود



نونتون نیست؟ چرا زرت‌وزرت خودکشی می‌کنن اینا؟ چستر چارلز بنینگ خواننده گروه لینکین پارک و کریس کورنل هر دوشون جزو بهترین خواننده‌های امروز دنیا بودند.

پنجاه‌وسومین سالگرد تولد دوست صمیمی خود

«چستر بنینگتون» درگذشت

کریس کُرْنَل کمتر از سه ماه بعد از خودکشی او با همان روش خلق‌آویزکردن کریس به دیدار رفیق خود شتافت.»

بنینگتون از محبوب‌ترین خوانندگان موسیقی راک در قرن بیست‌ویکم بود. چستر بنینگتون از دوستان کریس کُرْنَل خواننده فقید گروه «Soundgarden» بود. کُرْنَل ۱۸ می سال جاری خود را به دار آویخت، روز گذشته (۲۰ آوریل) سالروز تولد کُرْنَل بود که خودکشی چستر در این روز نشان می‌دهد که مرگ او تحت‌تأثیر مرگ دوستش بوده است.

«بنینگتون» در سال ۱۹۹۹ به این گروه موسیقی

زیر آسمان فیروزهای

مدیا کاشیگر در بیمارستان



● **ایسنا:** مدیا کاشیگر، مترجم و فعال فرهنگی، به دلیل مشکل تنفسی در بخش اورژانس بیمارستان امام‌خمینی(ره) بستری شده است. او از شش روز پیش تحت درمان و مراقبت قرار گرفته است. کاشیگر سابقه بیماری تنفسی داشته و چندی پیش هم به دلیل مشکل حاد تنفسی، در بیمارستان فیروزگر برای مدت یک هفته در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شده بود. مدیا کاشیگر سال ۱۳۳۵ به دنیا آمده است. «خاطره‌هایی فراموش شده از فردا»، «آخرالزمان»، «مرگ موربان» و «اتاق تاریک» از جمله کتاب‌های منتشرشده به قلم این شاعر و نویسنده است. او همچنین آثاری را از آلبز کامو، سنت اگزوپری، اوزن یونسکو، بل ریگور و... ترجمه و منتشر کرده است. کاشیگر راه‌اندازی جایزه‌های ادبی لیدا و روزی روزگاری را هم در کارنامه خود دارد.

● **«ساعت ۵ عصر» در منطقه جنوب‌غربی تهران به نمایش درنمی‌آید**

لطفا عدالت را رعایت کنید



● **کیانا آرتز:** فیلم سینمایی «ساعت پنج عصر» نخستین فیلم سینمایی مهران مدیری در مقام کارگردان، با وجود بالای‌بودن تعداد سالن‌های نمایش آن از سوی پخش‌کننده فیلم، در اختیار «پرديس سینمایی تماشا» قرار نگرفت. این فیلم «ساعت پنج عصر» فیلم‌های پر فروش خود را به پردیس سینمایی تماشا ارائه نمی‌دهد؟! درحالی‌که سالن‌های سینمای این پردیس تنها سالن‌های سینما در منطقه ۱۸ تهران هستند که اتفاقاً شلوغ‌ترین منطقه شهرداری تهران محسوب می‌شود». او در ادامه افزود: «حتماً می‌دانید که بهای بلیت سینما در این پردیس هشت هزار تومان است و سه‌شنبه‌ها هم طبق مصوبه شورای صنفی نمایش قیمت بلیت‌ها نیمه‌ها می‌شود که اتفاقاً در این روز هفته به دلیل استقبال خانواده‌ها، مقابل محل بلیت‌فروشی، صف‌های طولانی بسته می‌شود. اما باز هم بنا بر مصوبه شورای صنفی نمایش اگر سه‌شنبه‌ای مصادف با تعطیلات رسمی شود، آن‌وقت بلیت‌ها دیگر نیمه‌ها نیست. وقتی در چنین روزهایی خانواده‌ها می‌کنند، با وجود تفاوت قیمت در حد چهار هزار تومان نمی‌توانند به دلیل وضعیت اقتصادی‌شان بلیت خریداری کنند. در نتیجه به خانه بازمی‌گردند. درحالی‌که من مدتی که در اینجا به‌سرم می‌برم شاهدم که چقدر مردم فیلم‌های سینمایی ایرانی را دوست دارند. حالا چرین برخوردی هم به پیش از این با فیلم «هنگ عنبر ۲» از سوی پخش‌کننده اعمال شد که با پیگیری‌های ما توانستیم فیلم را برای مردم به نمایش بگذاریم». این مدیر نیز توضیح داد: «شاید پخش‌کنندگان فکر کنند اگر فیلمشان داد: در اختیار این منطقه از تهران قرار ندهند، مردم این فیلم‌ها را در پردیس سینمایی کوروش خواهند دید! درحالی‌که چنین تصویری نادرست است. چون باید شرایط اقتصادی و اجتماعی تماشاگران را هم در نظر بگیرند و در به‌نمایش‌گذاشتن فیلم‌ها برای مردم عدالت را در نظر بگیرند. یادم می‌آید روزی که امین حیایی، از بازیگران مشهور سینمای ایران را به پردیس سینمایی تماشا دعوت کردیم، آتچنان استقبالی شده بود که کمتر جایی شاهدش بودم. این نشان می‌دهد که مردم این منطقه چقدر حامی فیلم‌های سینمایی و هنرمندانش هستند. پس به نظرم بد نیست که مسئولان مرتبط در این مورد تجدیدنظر کنند». در پی اظهارات نجفی، با علی سرتیپی، مدیرعامل «فیلمیران» تماس گرفتیم که متأسفانه پاسخی داده نشد. گفتنی است، پردیس سینمایی تماشا در چهارراه یافت‌آباد، میدان معلم تهران واقع شده که دارای سه سالن سینمایی با ظرفیت ۳۲۰ صندلی است.